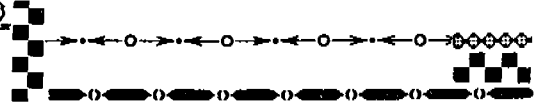


# تفسیر قرآن مجید

## تفسیر سوره تن

محمد تقی شریعتی مدرس تفسیر

مکی و ۹ آیه است



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 وَالتِّينِ وَ الزَّیْتُونِ وَطُورِ سِیْنِ وَ هٰذَا الْبَلَدِ الْاَمِیْنِ لَقَدْ خَلَقْنَا  
 الْاِنْسَانَ فِیْ اَحْسَنِ تَقْوِیْمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ اَسْفَلَ سَافِلِیْنَ اِلَّا الَّذِیْنَ  
 اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَلَهُمْ اَجْرٌ عَظِیْمٌ لَّمْ یُكْذِبْ  
 بَعْدَ الْاٰیٰتِ لَیْسَ اللّٰهُ بِالْحَکِیْمِ الْعَلِیْمِ

- ۱- سوگند بانجیر و زیتون
  - ۲- و سوگند بکوه سینا
  - ۳- و سوگند باین شهر بی ترس و بیم
  - ۴- محققا آدمی را در نیکوترین نگاشتی (تصویر و تعدیلی) آفریدیم
  - ۵- باز پس او را به پست ترین منازل باز گردانیدیم .
  - ۶- مگر آنانکه گرویدند و کارهای شایسته کردند پس ایشانرا هست مزدی بی منت (ناکاست) .
  - ۷- پس بعد از این (دلایل) در باره اسلام چه چیز موجب تکذیب تو خواهد بود؟
  - ۸- آیا خدا بهترین داورى کننده همه داوران نیست ؟
- تناسب :

شیخ طبرسی در مجمع میگوید: «چون در آخر سوره فیل دستور عبادت و رغبت

بسوی پروردگار داده بود در این سوره توضیح میدهد که آفریننده آدمی در بهترین تقویم و بزرگترین حاکم حکیم سزاوار عبادت و شایسته رغبت و عشق است. ولی بنظر ما مطلب بزرگتر و تناسب مهمتر از این است.

مفسران شیعه عموماً سوره **الضحی** و **الم** شرح را يك سوره میدانند و هر دو در بیان عظمت نبی اکرم و محبوبیتش نزد پروردگار و شرح الطاف خداوند در ضمن نقل اذیتها و ستمها و توهینهای قولی و عملی دشمنان بی‌ایمانش نسبت بآن بزرگوار میباشد.

در این سوره از مقام شامخ نبوت و رسالت با سوگند به دو مهبط وحی تجلیل شده و اهمیت مرتبه انسان را شناسانده است و پیغمبر بزرگترین اهل وحی و نبوت و حائز عالیترین درجات انسان کامل است.

و باز هرگاه این موجود عجیب راه انحطاط و رذالت را در پیش گیرد پائین در کات از آن اوست، و مشرکان مکه و دشمنان پیغمبر نمونه کامل این دسته هستند و اصحاب بارفای آن حضرت نیز بهترین مصداق مومنان نیکوکار شایسته کردار بنا بر این تناسب کامل میان این سه سوره از همه جهت بر قرار است.

### تفسیر :

#### ۱- والتین والزیتون ۲- و طور سینین ۳- و هه‌البلد الامین

اختلافی نیست در اینکه مقصود از «طور سینین» همان کوه سینا محل وحی حضرت موسی ع و منظور از بلد امین مکه مهبط وحی محمدی ص میباشد. ولی در معنی «تین و زیتون» عقاید بسیار مختلف است. در عین حال هیچ تفسیری نیست که همین انجیر و زیتون معروف را ذکر نکرده باشد، و اغلب تفاسیر از قدامی مفسرین مانند ابن عباس، حسن، مجاهد، و مقاتل و کلبی و عطاء بن ابی ریحاق نقل کرده‌اند که: «آن همین انجیری است که میخورد و زیتونی است که با فشردن روغن زیتون از آن روغن میگیرید».

لفظ طور بمعنی کوه است و طور بروزن گور کوه بزرگ و سیناء (با فتح و کسر سین) و سینین هر دو اسم خاصی برای کوهی هستند که خداوند با موسی بن عمران در آنجا سخن گفت.

بعضی این لفظ را بمعنی نیک مبارک آراسته دانسته و گفته‌اند لغت حبشی است، و بعضی دیگر آنرا نسبتی و بمعنی کوه پردرخت، و بعضی بمعنی درخت میوه‌دار گرفته‌اند، و در هر حال هر لغتی و بهر معنی باشد در این آیه محل مناجات موسی است و لفظ امین یا بمعنی امن است (دارای امنیت) چنانکه در آیه دیگر چنین خوانده شده است: «انا جعلناه حرماً آمناً» یا بمعنی ما مؤمن (ایمنی یافته) یا بمعنی مومن (ایمنی بخش) و لفظ بهر صورت معنی و ترجمه شود مفاد اصلی معلوم است که این شهر مقدس هم در جاهلیت و هم در اسلام محل امن و امان بوده و هست.

#### ۴- لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم

یعنی ما آدمی را محققا در بهترین ترکیب و تعدیل آفریدیم . هیچ لفظی در فارسی نمیتواند معنی کامل تقویم را بفهماند و حتی در عربی نیز ، بنا بر این چاره‌ئی جز توضیح آن با الفاظ فراوان نیست

علامه ابی‌السعود میگوید : «ما اورا در بهترین تقویم و تعدیلی که يك موجود میتواند داشته باشد، هم از حیث صورت و هم از حیث معنی آفریدیم ، راست‌بالا ، اندام معتدل و اعضاء متناسب است بدون کثری و کاستی و با صفات و نیروهای لازم از حیات علم قدرت و اراده و گویائی و بینائی و شنوائی و غیر اینها از نمونه‌های اوصاف پروردگار ، بعد آن روایت معروف را می‌آورد که «ان‌الله خلق آدم علی صورته یا علی صورته الرحمن» و آنها را تشریح میکند و مطلب را ادامه میدهد .

#### حاجی سبزواری در اسرار الحکم میگوید:

«معنی فرمایش پیغمبر که خداوند آدم را بر صورت خود یا بر صورت رحمان آفریده این است که آدم مظهر همه صفات خداوند است ، زیرا صورت پروردگار همان صفات جمال و جلال و ثبوتیه و سلبيه اوست، و امیرالمومنین و فرزندش حضرت صادق علیهما السلام فرموده‌اند «صورت انسانی بزرگترین حجت‌های خدا بر خلق است و کتابی است که خداوند با دست خود اورا نوشته و کاخ رفیعی است که با حکمتش آنرا ساخته و مجموعه‌ای از جمیع کائنات و موجودات همه عالم است.....» .

ما برای رعایت اختصار بهمین مقدار از حدیث واز بیانات حاجی در دنبال آن قناعت میکنیم و جمله آخر حدیث نامرده در این شعر تشریح شده است :

قبضه‌ئی از دو عالم سرشته	خاک و افلاک و دیو و فرشته
سر وحدت دران قبضه هشته	اسم اعظم بر او بر نوشته
گر خبر خواهی از مبتدایم	

ساخته جسم و جانم ز دو جهان	در نهادم نهاده دو کیهان
وز دو گیتی چه پیدا چه پنهان	کرده انموزجی نك منم هان
ساخته جام دو جهان نمایم	

(حاج میرزا حبیب خراسانی)

قرآن کریم انسان را بزرگترین و شریفترین موجودات جهان از مجرد و مادی و محسوس و غیر محسوس معرفی میکند و درشأن او همین بس که خلیفه الله و مسجود ملائک است . در این سوره نیز با چهار سوگند عظمت مقام و علو مرتبه آدمی را در عبارتی کوتاه یادآوری میکند.

حال بینیم چه تناسبی میان چیزهای موردقسم با این مطلب است .

در نظر قرآن انسان مرکب از تن و روان است، اعضاء بدن و نیروهای روحیش هماهنگ و متناسب و در یکدیگر موثرند، استعداد شگفت و عمیقی در فراگرفتن دانش و هنر دارد، با دیدن سببی که از درخت میافتد نیروی عظیم جاذبه را کشف میکند ، وقتی سر در زیر آب میکند حس مینماید که آب او را بالا میآورد . فشار مایعات پی میبرد ، با دیدن شعری در دیوان حنظله بادغیسی سرنوشتش عوض میشود و از خر بندگی بامیری خراسان میرسد .

از تجارب و اطلاعات دیگران استفاده مینماید و از آنچه میداند دیگران را آگاه میسازد زبانش طوری ساخته شده که میتواند سخن بگوید و دستش میتواند بنویسد با این دو وسیله افکار و اندیشه هایش را بدیگران انتقال میدهد و خلاصه مقومات وجودی یعنی اجزاء تن و قوای روانش بهترین وجه ترکیب یافته و در نیکوترین تقویم آفریده شده است ، این کیفیت در هیچیک از جانوران دیگر نیست . آری بسیاری از حیوانات از قبیل طاووس مثلاً بمراتب زیباتر از انسانند، ولی استعداد ممتاز و سائل تکمیل آنرا ندارند .

قرنها بر عمرشان میگذرد و همانند که بوده اند و بشر همواره در پیشرفت است بهمین جهت فرموده در زیباترین ترکیب (اجمل) بلکه با احسن تقویم یعنی نیکوتر و بهتر تعبیر فرموده است .

بعد از ترجمه باین مطلب میرسیم که هر کدام از جسم و جان آدمی وسیله بقا می خواهند درست است که هر یک در دیگری تا تأیسر دارد لیکن در عین حال دو وجود کاملاً از هم جدا و متباین هستند ، پس هر کدام غذائی مناسب و مخصوص بخود لازم دارد (تین و زیتون) خوراک تن؟ علم و عقیده که مبداء و منشاء آن دو وحی است غذای روان میاشند (طور سینا) مبداء وحی موسی و (بلد امین) مهبط وحی محمدی است .

از جمیع کتب انبیاء تنها تورات است که با قرآن مکرر در خود قرآن نامبرده میشود و کیفیت هدایت آن دومورد تجلیل و تعظیم قرار گرفته و هردو معجزه محسوب میشوند . (فاتوا بکتاب هو اهلی منهما یعنی شما منکران دین اگر میتوانید کتابی بیاورید که از این کتاب ها (تورات و قرآن) هدایت کننده تر باشد .

پس جهت انتخاب این دو محل که جایگاه وحی بزرگترین پیغمبران و نزول مهمترین کتب آسمانی هستند معلوم است . ولی در بیان سبب و علت آوردن (تین و زیتون) مفسرین اختلاف کرده اند . آنها که مقصود از این دو را همین انجیر و زیتون معمولی خوراکی دانسته اند گفته اند «انجیر هم خوراک و هم میوه وهم دواست . خوراکی لطیف سریع الهضم و ملین است بلغم

را کم میکند و کلیه هارا پاك مینماید و سنگ مثانه را نابود و بدن را فربه و مسامات جگر و سپرز را باز میکند و بهترین و پسندیده ترین میوه هاست و از پیغمبر نقل کرده اند که فرمود: «از این میوه بخورید که اگر بخواهم بگویم میوه ای از بهشت آمده همین است زیرا میوه های بهشت جزء غیر ماء کول ندارند و همماش خورده میشود و انجیر چنین است بخورید که بواسیر را درمان میکند و در نقرس مفید است».

و نیز از حضرت رضاع روایت کرده اند که «انجیر بوی دهان را برطرف و موی را بلند میکند و از فلج ایمنی میبخشد» و فوائد بسیار دیگر برایش ذکر نموده اند و همچنین منافع زیتون را که آن نیز غذا و خورش و دواست بعلاوه میتوان روغنش را در چراغ بکار برده و زندگی را روشنی بخشید یا از آن صابون درست کرده و بدن و لباس را پاك و پاکیزه ساخت و سودهای بسیار دیگر بنا بر این باید لفظ را بر ظاهرش جاری ساخت و بدون جهت بتاءویل نپرداخت.

امروز کتب غذاشناسی برای انجیر و زیتون فوائد بسیار زیادی نقل کرده اند، از جمله دکتر جزائری در «اسرار خوراکیها» منافع غذائی و دوائی انجیر خشک و تازه را شرح داده و باز در «اعجاز خوراکیها» ضمن بیان انواع خوراکیها و ویتامینها چند دفعه از انجیر نامبرده و توضیح داده اند که چند گونه ویتامین دارد و اثر و فایده هر یک چیست.

و نیز در کتاب نخست دوسه صفحه بعد از بحث در باره انجیر خشک شرح مبسوطی مربوط بفوائد و منافع خوراکی و داروئی زیتون و روغن آن و برگ درختش بیان نموده و آنرا اکسیر و مایه طول عمر نامیده ضمناً گفته است که زیتون درخت صلح و آشتی است، برآستی اگر دکتر دیندار و مطلعی در غذا شناسی با استمداد از علماء و کتب دینی احادیث و روایاتی را که از پیغمبر و خاندانش در باره فوائد خوراکیها رسیده با آنچه متخصصین غذاشناس عصر ما گفته اند تطبیق میکرد یک معجزه بزرگ علمی اسلامی را در دسترس مردم گذارده بود.

پس با توجه باینهمه منفعت که در این دو چیز هست چه اشکالی دارد که خداوند بآنها قسم یاد کند تا مردم را متوجه این منافع ساخته و از این راه لطف و ارفاق پروردگار را بمخلوق بشناسند.

بعضی دیگر این دو خوراکی را لایق قسم پروردگار ندانسته و معانی دیگری برایشان نقل کرده اند.

۱- از ابن عباس روایت شده که دو لفظ اسم دو کوه هستند که بسریانی طور سینا و طور زیبا نامیده میشوند چون تین و زیتون، در آنها میروید و اولی در وطن عیسی و دومی در شام

مبعث بسیاری از پیغمبران بنی اسرائیل واقع شده است در این صورت تناسب میان قسمها هم محفوظ است .

۲- تین و زیتون را نام دوم مسجد گرفته اند و باز در محل آنها اختلاف کرده اند از این قرار:

۱- تین مسجد دمشق و زیتون مسجد بیت المقدس ۲- مسجد اصحاب کهف و مسجد ایلیا

۳- مسجد نوح که بر کوه جودی بنا شده و مسجد بیت المقدس و گفته اند چون در این محلها تین و زیتون میروئید این مساجد باین دو نام خوانده شده اند .

۳- تین و زیتون را نام دو شهر پنداشته اند اولی دمشق و دومی بیت المقدس یا اولی کوفه و دومی شام و برای هر کدام وجهی ذکر کرده اند که ما برای رعایت اختصار هم از نقل اقوال دیگر و هم از بیان جهات و توجیحات آنها صرف نظر میکنیم (۱) .

بنظر ما بهترین آراء و اقوال در این باب قول اولست که تین و زیتون بهمان معنی معروف خود یعنی انجیر و زیتون خوراکی باشند که بعنوان مثال در اول سوره آمده اند ، نه آنکه از عموم غذاها انتخاب شده و بهترین و مفیدترین آنها را نام برده باشند . و اما اینکه در مورد وحی که غذای روح است عالیترین و شریفترین و مهمترین منازل آن (باعتبار عظمت وحی) برگزیده شده ولی در موضوع خوراک جسم فقط دو نوع خوراکی را بطور مثال آورده است، چنین بنظر میرسد که ما رامیخواهد متوجه سازد که آنچه سزاوار اهتمام است روح است و در پرستاری بدن بمقدار لازم باید قناعت نمود آنهم از این لحاظ که مرکب روح است و آلت و ابزار کار اوست نه اینکه باندازهئی در تیمار تن صرف وقت کرد که از وظائف مربوط بروان تقویت آن بازماند درست است که اسلام دینی جامع و کامل است و از این جهت هم سعادت دنیا و هم آخرت را تأمین میکند و نیز وظایف راجع ببدن را نیز مانند تکالیف مربوط بروح بیان فرموده است قرآن کریم با صراحت کامل فریاد میزند که: «چه کس آرایش زندگی را که خداوند برای بندگانش بیرون آورده و در دسترس آنها قرار داده و نیز روزیهای خوب و پاکیزه را حرام کرده است؟» ولی نه اسلام و نه هیچ دین دیگر حتی مرامهای ضد دین که نه بروح و نه بعالم بعداز مرگ عقیده دارند هیچگاه کسیرا برای خوب خوردن و خوب پوشیدن ستایش نکرده اند .

و بر عکس از پیغمبران و اولیاء خدا برای قناعت شدیدشان تمجید فراوان شده و میشود و باید هم بشود و زندگی پیغمبر اسلام ص و وصی و جانشینش امیرالمومنین ع گواهی صادق بر

۱- فخر رازی و برخی مزایای دیگری برای انجیر و درخت آن نقل کرده اند که با مضامین شعری متناسب تر است تا مطالب تفسیری

این حقیقت است .

اما اینکه قرآن از انواع نعمتها و غذاها و میوه‌ها نام میبرد برای توجه دادن بحکمت و تدبیر آفریدگار و لطف و رحمتش نسبت به آفریدگان است و ضمناً دلیل جواز استفاده از آنهاست لیکن حرص شدید بخوردن انواع خوراکیهای لذیذ پسندیده نیست بلکه مذموم است مگر بزرگترین شخصیت اسلام بعد از پیغمبر ، علی ع نمیگوید : « هیئات ان یغلبنی هوای و یقودنی جشعی الی تخیر الاطعمه » یعنی بسیار بعید است که هوس بر من غلبه کند و حرص بر غذا مرا بانتخاب طعامهای گوناگون بکشاند

بر خلاف غذای روحی که باید نهایت کوشش بعمل آید تا بهترین و عالیترین و قابل اطمینان ترین و پاک‌ترین و خالص‌ترین و نافع و مفیدترینش انتخاب شود .

پس روشی که قرآن برای سوگند بدو منشاء غذای جسمی یعنی درخت انجیر و زیتون و دو فرودگاه وحی که غذای روحی است اتخاذ فرموده است بما میآموزد که بهر کدام از این دو نوع غذا چه اندازه اهمیت بدهیم و چگونه اهتمام بورزیم و بچه نظر با آنها بنگریم و چه ارزش برای آنها قایل شویم .

اگر این نظر که ذکر تین و زیتون بعنوان مثال است نه انتخاب مورد قبول اهل نظر واقع شود ، دیگر ما نیازی نخواهیم داشت که آنها را بهترین خوراکیها بدانیم بلکه اگر پست‌ترین طعامها هم ذکر میشد درست بود ، و از این جهت هم که مورد قسم خداوند واقع شده‌اند اشکالی بوجود نمیآمد زیرا هر مخلوقی ولو بسیار کوچک از نظر انتساب پیروردگار و نشانه حکمت و قدرت او آیت بودن بزرگ و با اهمیت است مگر پیروردگار نمیفرماید :

« سوگند یاد میکنم با آنچه می بینید و آنچه نمی بینید » .

اما تقدم تین و زیتون بر طور سینا و مکه تقدم طبیعی است مانند تقدم جسم بر روح و دنیا بر آخرت و معاش بر معاد ، و بالاخره همان تقدم خوراک بر علم نه تقدم در شرف و رتبه و مقام بعلاوه چون در آغاز بنا بر ذکر نعمتهای خداوند است مناسب همین است که از نعمت کوچک شروع شود و بتدریج بزرگترها را یاد کنند .

۵- ثم رددناه اسفل سافلین ، یعنی : پس او را پست تر از همه پستها گردانیدیم یا (بجایگاهی پست‌تر از همه منازل باز گردانیدیم)

در آیه پیشی خداوند با چهار قسم و با تاکید شدید (لام و قد) بیان فرمود که ما انسان را در عالیترین ترکیب از اعضای جسمی و قوای روحی و در بهترین تقویم از لحاظ صورت و معنی آفریدیم . این تاکیدات برای اینست که آدمی خود را حیوانی راست بالا و پهن ناخن

نینگارد و در ردیف میمون، و از نژاد او نینداردو مانند گوریل به درندگی و شهوترانی نپردازد. جامی بسیار خوب این معنی را پرورانده است :

حد انسان بمذهب عامه	حیوانی است مستوی القامه
پهن ناخن برهنه پوست زموی	بدو پا رهسپر بخانه و کوی
هر که را بنگرند کاینسان است	میرندش گمان که انسان است
آدمی چیست؟ برزخی جامع	صورت خلق و حق دراو واقع
متصل با حقایق جبروت	مشمتمل بر رقایق ملکوت

پس هرگاه از اختیار و آزادی که بطور کامل منحصر با او داده شده سوء استفاده کرد و سرمایه‌های گرانبهای عقل و فطرت را تباه ساخت بدیهی است که بر مراتب از دیگر جانوران که چنین بضاعتی نداشته‌اند گمراهتر و بدکارتر بوده و بیشتر سزاوار نكوهش خواهد بود . در معنی آیه مفسران وجوهی بیان داشته اند :

۱- عبله میگوید : معنی آیه اینست که ما انسان را پست‌تر از هر حیوان پستی گردانیدیم زیرا هر عملی از هر جانوری صادر شود بر حسب مقتضای فطرتش صدور مییابد. مثلاً يك جانور درنده بحکم غریزه‌اش میکشد و می‌درد یا روباه بحکم سرشتش بحیله‌گری میبردازد و همچنین است هر کاری که از هر جانوری بروز و ظهور کند .

ولی مقتضای فطرت انسان دلسوزی و مهربانی و صراحت و صداقت و خلاصه دینداری است و اگر بدرندگی و فریبکاری پرداخت برخلاف فطرت خود عمل کرده است .

۲- مفسران دیگر گفته‌اند : مقصود از «اسفل سافلین» (۱) پائین درکات و آخرین طبقات دوزخ است یعنی این اشرف مخلوقات را بکیفر اعمال زشتش پست‌ترین طبقه جهنم خواهیم افکند .

۳- بعضی از مفسران هم «اسفل سافلین» را پیری و فرسودگی معنی کرده‌اند و گفته‌اند کودکان نا بالغ و بیماران و گرفتاران امراض مزمن و ضعفاء سافلان هستند ، ولی پیر فرتوت که همه نیروهایش ناتوان شده نه خوب میتواند ببیند و نه بشنود و نه بیندیشد اسفل از جمیع سافلین است چنانکه در آیه دیگر فرمود :

ثم یرد الی ارذل العمر لکیلا یعلم من بعد علم شیئا . یعنی : پس بیست‌ترین ایام عمر باز گردانیده میشود تا بعد از داشتن علم دیگر هیچ نداند. و نیز گفت : «ومن نعمة نكسه



فی الخلق». یعنی: هر کس را عمر دراز دهیم در میان مخلوق خوار و سرافکننده‌اش میسازیم.

۶- الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات فلهم مغفرة و اجر غیر ممنون. یعنی: مگر آنها که گرویدند و نکوکاری کردند که بر ایشان مزدی بی منت یا ناگسسته یا ناکاست است.

بنا بر معنی اول و دوم برای آیه قبل معنی کاملاً روشن و دو آیه بهم مربوط و متصل است (استثناء متصل) و معنی چنین میشود که: ما انسان را پست تر از جانوران میگردانیم یا بدوزخ می‌افکنیم مگر کسانی که ایمان آورده‌اند. ولی با معنی سوم برای آن آیه ارتباط میماند: این دو قطع میگردد (استثناء منقطع) و لفظ الا در این آیه باید لکن معنی شود باینصورت: ما آدمی را بیبری و خواری میرسانیم لیکن هر کس ایمان آورد و کارهای نیک کرده مزد خود را خواهد گرفت.

لفظ غیر ممنون دوگونه معنی شده است:

۱- غیر منقوص و لامقطوع، یعنی مزدی بسی کم و کاست و ناگسسته.

۲- لا یمن به علیهم. یعنی مزدیکه بر آنها منتی گذاشته نشود بآنها میدهند و هر دو معنی را باهم میتوانیم منظور بگیریم.

۷- فما یکنذب بعد بالذین -؟ در این آیه وجوهی ذکر کرده‌اند ۱- مخاطب انسان

باشد و دین بمعنی حساب و جزای اعمال یعنی: ای آدمی پس از این ادله روشن که ما باجمال در این سوره بآن اشاره کردیم چه چیز ترا و ادار بدروغ میکند که امری واقعی و حقیقی را که قیامت و حساب و جزا باشد انکار کنی و دروغ بگوئی یا آنرا باطل و دروغ معرفی کنی؟

۲- خطاب بیغمبر باشد یعنی چه چیز ترا دروغ گو می شمارد پس از این دلایل نسبت بدین یا جزا و حساب و بعبارت دیگر چه دلیلی برانکار و تکذیب تو موجود است؟ ۳- ما بمعنی من باشد یعنی چه کسی ترا میتواند تکذیب کرد در امر دین و حساب.

۸- ایس الله باحکم الحاکمین - لفظ حکم و حاکم ممکن است از حکمت و یا از حکم بمعنی قضا باشد. در صورت اول معنی آیه چنین میشود «آیا خداوند درستکارترین درستکاران نیست؟» و در صورت دوم یعنی «آیا پروردگار داورترین و بهترین و دادگرترین داوران نیست؟» استفهام تقریری است یعنی خداوند قطعاً و یقیناً احکم الحاکمین است و این مطلب بدیهی و غیر قابل انکار است چون آثار حکمت و قدرتش در آفرینش اشجار و نباتات و زمین و کوهها و انسان و اجتماعش در شهرها و فرستادن پیغمبران و پیروز گردانیدنشان در عین تنگدستی و بیکی بر دشمنان بسیار مقتدر شان مانند فرعون و کافران و اشراف مکه و مشرکان پیدا و آشکارا و همه اینها بر دانش بی پایان و نیروی بی منتهاش گواهند آیا چنین

حاکم توانایی قادر بر اعاده<sup>۲</sup> بشر در محشر نیست؟ و اگر کسانی که در تمام زندگی دنیاشان بدکار و متمددی و یا نیکوکار و مظلوم بوده‌اند در جهان دیگری کیفر و پاداش نبینند آیا منافی حکمت او نیست؟ آری چنین رفتاری خلاف عدالت و ظلمی فاحش است و ظلم و ستم از عجز و احتیاج ناشی میشود پس از قادر مطلق و متعالی صادر نمیشود بنا بر این آن حکیم مقتدر در داوری و فرمانروائی مسلما دادگر خواهد بود .

ثواب قرائت :

ابوالفتوح و طبرسی و ابوالسعود از پیغمبر ص روایت کرده‌اند که هر کس سوره<sup>۳</sup> (التین) را بخواند خداوند او را دو خصلت عنایت فرماید در دنیا عافیت و یقین و در آخرت بعد هر کس که این سوره را خوانده باشد مزدی و ثوابی (و در عبارت طبرسی مزد روزهی يك روز) مرحمت کند و در مجمع و صافی هر کس این سوره را در نمازهای واجب و مستحب خود بخواند هر جائی را در بهشت بیسند بوی می‌بخشد .

حدثنا - محمد بن عمر بن محمد بن سلم بن البراء

الحجیابی، قال: حدثني ابو محمد الحسن بن عبد الله

بن محمد بن العباس الرازی التمیمی، قال: حدثني

سیدی علی بن موسی الرضاع قال حدثني ابي موسى

بن جعفر، قال حدثني ابي محمد بن علی قال :

حدثني ابي علی بن الحسين قال: حدثني ابي الحسين

بن علی قال حدثني ابي علی بن ابي طالب عليه السلام

قال: قال رسول الله ص : من مات و ليس له امام

من و لدی مات میتة جاهلیة<sup>۴</sup> ، و يؤخذ بما عمل

فی الجاهلیة<sup>۵</sup> و الاسلام .

عیون اخبار الرضا - باب ۳۰